

## سردار سلیمانی و بسیج مردمی در عراق و سوریه (زمینه‌های شکل‌گیری تا نقش و نیات شهید سلیمانی)

محسن شفیعی سیف آبادی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۶

**چکیده:** شکل‌گیری نهادی مردمی در گفتمان جمهوری اسلامی ایران به نام «بسیج» و تکرار این تجربه در سوریه با نام «نیروهای دفاع ملی» و در عراق با عنوان «حشدالشعبی»، صرف نظر از معنای انتقال یک تجربه موفق، حکایت از زمینه‌های شکل‌گیری و نیتی دارد که این مقاله با بهره‌گیری از روش هرمنوتیک قصدی-زمینه‌گرای کوئنتین اسکینر در پی تبیین آن است. در همین راستا، پرسش اصلی این است که شکل‌گیری شبکه‌های بسیج مردمی در عراق و سوریه متأثر از چه زمینه‌هایی است و مقاصد و نیات سردار سلیمانی در حمایت از این نیروها چه بوده است؟ بر مبنای یافته‌های پژوهش، زمینه‌های شکل‌گیری نیروهای دفاع ملی سوریه در مقولاتی چون ۱- اعتراضات مردمی؛ ۲- فرصت‌طلبی سلفی‌های تکفیری و ورود خشونت به عرصه اعتراضات؛ ۳- ضعف ارتش سوریه و ۴- ورود سپاه قدس و استفاده از نیروهای مردمی، قابل فهم است. حشدالشعبی نیز پس از توالی ۱- نبود همبستگی جامعه شیعیان عراق؛ ۲- ضعف ساختاری حاکمیت؛ ۳- نبود روحیه مبارزه در ارتش کلاسیک؛ ۴- فاجعه انسانی و ۵- حمایت سپاه قدس از بسیج مردم عراق، پدید آمد. مقاصد سردار سلیمانی نیز در کوتاه‌مدت، وحدت میان نیروهای محور مقاومت، افزایش مشروعیت حاکمیت عراق و سوریه، شکست سلطه داعش و اخراج نیروهای آمریکایی از عراق و سوریه و در بلندمدت، آرامش منطقه و جهان اسلام، حفظ مرزهای ایران از نفوذ سلفی‌های جهادی، قدرتمند نمودن بسیج مردمی عراق و سوریه به مانند حزب‌الله و رسیدن به آرمان آزادی قدس بود.

**واژگان اصلی:** هرمنوتیک قصدگرا، حشدالشعبی، نیروهای دفاع ملی، سردار سلیمانی.

۱. استادیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

## مقدمه

با رویش شبکه‌های بسیج مردمی در عراق و سوریه، می‌توان مدعی بود که بازتاب انقلاب اسلامی ایران سال‌ها پس از این تحول بزرگ، هنوز هم در منطقه خاورمیانه، آثار سیاسی - اجتماعی خود را بر جا می‌گذارد. پیروزی انقلاب اسلامی، امکان ورود بیشتر مردم در ساختارهای اجتماعی را فراهم آورد. مهمترین عرصه ایفای نقش مردم در گفتمان جمهوری اسلامی ایران، در یک قالب منسجم و سازماندهی شده، به نام «بسیج» بود؛ سازمانی که تنها ۹ ماه پس از تحقق انقلاب اسلامی شکل گرفت. مبنای نهادینه شدن بزرگترین و گسترده‌ترین سازمان مردم‌نهاد در کشور، این سخن از امام‌خمينی<sup>(ره)</sup> بود: «یک مملکتی که پس از چند سال، ۲۰ میلیون جوان دارد، باید ۲۰ میلیون تفنگ‌دار داشته باشد» (امام‌خمينی<sup>(ره)</sup>، ج ۱۱، ۱۳۸۷).

مطابق اساسنامه بسیج، چهار هدف مهم دنبال می‌شود که عبارتند از: ۱- مبارزه و پیکار در راه حق؛ ۲- حفاظت از دستاوردها و آرمان‌های انقلاب اسلامی؛ ۳- افزایش توان دفاعی و مشروع‌سازی وجهه مردمی حکومت و ۴- کمک به شهروندان در زمان وقوع بلاهای طبیعی. با شروع جنگ تحمیلی، اهمیت، کارویژه و ماهیت سازنده بسیج بیش از پیش آشکار شد. در این میان گروهی از آن‌ها با فراگیری دانش نظامی به جبهه‌ها اعزام شدند و گروهی نیز به برگزاری کلاس‌های آموزشی، فرهنگی، عقیدتی، نظامی یا سیاسی پرداختند. کم‌کم شکل‌گیری بسیج عشایری، دانش‌آموزی، اداره‌ها و کارخانه‌ها و همچنین بسیج خواهران باعث شد تا همگام با نیروهای آموزش‌دیده و متخصص ارتش و سپاه، بخش قابل توجهی از مردم به پشتوانه قدرت نظامی کشور تبدیل شوند. تجربه موفقی که در بحران‌های عراق و سوریه دوباره آزمون شد.

با اوج‌گیری بحران‌ها در دو کشور عراق و سوریه و اشغال بخش وسیعی از سرزمین‌های عراق و سوریه، فرماندهان و مدیران سیاسی - نظامی با الهام‌گیری از الگوی مقاومت بسیج مردمی در ایران، ارتشی گسترده و مردمی به نام‌های «نیروهای دفاع ملی» و «حشدالشعبی» را پدید آوردند. در راستای تشکیل این نیروهای مردمی و ایجاد هماهنگی‌های لازم میان آن‌ها با دیگر محورهای مقاومت، افرادی چون سردار حسین همدانی و سردار سلیمانی بسیار تأثیرگذار بودند. آن دو از فرماندهان جنگ تحمیلی و از نظامیان برجسته گفتمان جمهوری اسلامی ایران بودند. به‌ویژه سردار سلیمانی که در آن زمان به دعوت دولت سوریه و عراق برای ارائه برنامه و حمایت مستشاری رفت و در ساخت اعتماد فکری و تکیه بر توان مردمی

در نگاه حاکمان عراق و سوریه نقش به سزایی داشت. در همین راستا، به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که شکل‌گیری شبکه‌های بسیج مردمی در عراق و سوریه متأثر از چه شرایطی است و مقصود سردار سلیمانی در حمایت از این نیروها چه بوده است؟ برای اثبات فرضیه و سامان دادن به شاکله مقاله، در گام نخست به پیشینه پژوهش و در ادامه ضمن شرح روش هرمنوتیک کوئنتین اسکینر، به بررسی زمینه‌های اجتماعی بسترساز شکل‌گیری بسیج مردمی عراق و سوریه می‌پردازیم. در پایان همراه با بررسی نقش و آراء سردار سلیمانی، قصد و نیت او در حمایت از بسیج مردمی عراق و سوریه بررسی خواهد شد.

### پیشینه پژوهش

بسیج نیروهای مردمی در عراق و سوریه و ارتباط سردار سلیمانی با آن‌ها، دستاوردهای فراوانی داشته و توانسته در عرصه منطقه‌ای توجه زیادی را به خود جلب نماید. با این همه، تاکنون در مورد این نیروها آثار زیادی نگارش نشده است. برخی از پژوهش‌ها به این شرح قابل بررسی است: مهدی حلفی (۱۳۹۵)، در اثری با عنوان «حشدالشعبی بسیج مردمی عراق»، با روش توصیفی و روایت رویدادهای حشدالشعبی در عراق، معتقد است حشدالشعبی پس از سقوط موصل پدید آمد و پشتوانه محکمی برای مبارزه با داعش بود. تورج افشون و عبدالحسین الله‌کرم (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه رویکرد امنیتی آمریکا و حشدالشعبی در عراق؛ عملکرد و چشم‌انداز»، باور دارند که حشدالشعبی ضمن ساماندهی نیروهای فراوان، توانسته بخشی از تهدیدها را از جامعه و حکومت عراق دور نماید. امیرحامد آزاد (۱۳۹۴)، در مقاله «الگوی مطلوب در عراق؛ حشدالشعبی و آسیب‌پذیری‌های آن»، به بررسی حشدالشعبی و آسیب‌شناسی آن پرداخته و حشدالشعبی را سازمانی تأثیرگذار با ضعف‌های عمده در میان رهبران و اعضای آن می‌داند.

به هر روی، مطالعه بسیج نیروهای مردمی در عراق و سوریه کم و دربارۀ نیروهای دفاع ملی سوریه، تاکنون متنی علمی و روشمند نگارش نشده است. درباره حشدالشعبی نیز چند مقاله نوشته شده، تنها به توصیف این سازمان و عملکرد آن پرداخته است. این مقاله سعی دارد با کمک روش هرمنوتیک قصدگرا از کوئنتین اسکینر، به بررسی زمینه‌های شکل‌گیری نیروهای بسیج مردمی در عراق و سوریه بپردازد. همچنین نقش و قصد سردار سلیمانی در

همکاری با آن‌ها را به عنوان یکی از فرماندهان تأثیرگذار و حامی این سازمان‌ها تبیین نماید. بنابراین، پژوهش حاضر در زمینه‌هایی چون روش، پرسش، داده‌ها، هدف و حتی متغیرهای اصلی با مقالات پیشین تفاوت دارد.

### روش پژوهش

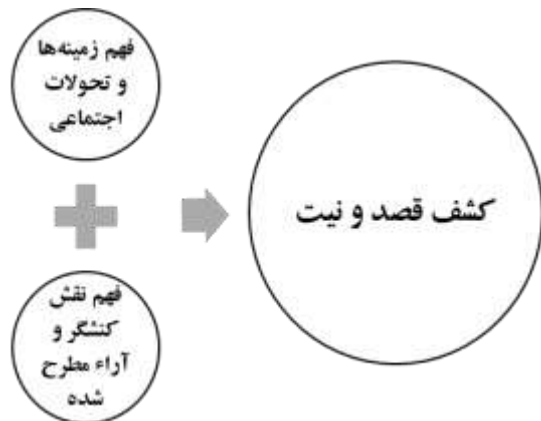
پژوهش حاضر از نوع بنیادی و روش حاکم بر آن هرمنوتیک روشی، از نوع هرمنوتیک قصدی-زمینه‌گرایی کوئنتین اسکینر است. شیوه گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای است. بر مبنای هرمنوتیک روشی، فهم اندیشه و پیش‌فرض‌های انسانی به‌طور کلی، متأثر از مبنای روش تفهیمی است. بنا بر متدولوژی اسکینر، درک دقیق اعمال و کنش انسان، رابطه مستقیمی با درک نیت و قصد او دارد و دنیای افکار انسان‌ها، قابل فروگاهی به جهان جمادات و پدیده‌های طبیعی نیست (Skinner, 2003). از منظر اسکینر، دانش هرمنوتیک، به عنوان یک روش، در پی رسیدن به معنای واقعی متن-آثار، سخنرانی‌ها و حتی اشارات و ابهام‌زدایی از آن است. بنابراین، با شفاف‌سازی و فهم نیت و خواست‌های صاحب متن یا به اصطلاح مؤلف، در شرایطی ملازمت دارد که شخص مؤلف غایب است (Skinner, 2002).

در گذشته برای خوانش درست از اندیشه و عملکرد افراد، یا به متن بازمانده از مؤلف و یا به شرایط و زمینه‌ای رجوع می‌شد که وی در آن می‌زیسته و کنش سیاسی-اجتماعی داشت. به باور اسکینر، تأویل و تفسیر اندیشه‌های مبتنی بر متن یا زمینه، باعث انتساب افسارگسیخته عقلانیت و حقیقت‌های فرازمانی به اثر می‌شود و در بسیاری از مواقع به آن قداست می‌دهد. پس مفسر ناگزیر به دکترین‌پردازی، انسجام‌بخشی، مقدم نمودن اندیشه معاصر خود بر اندیشه مؤلف و محدودسازی می‌کند. مجموعه این مطالب موجب خوانش نادرست از اندیشه و عملکرد افراد می‌شود. بنابراین، اگر تک سویه به سمت فهم متن در فضای اجتماعی و زمینه موجود برویم، دچار مشکل در فهم معنا و قصد مؤلف خواهیم شد.

در روش اسکینر، رابطه پر تعامل همزمان متن و زمینه، برای کشف قصد مؤلف و کنشگر پرداخته می‌شود. به باور وی، هر نویسنده و کنشگری که صاحب متن است، یک عمل ارتباطی قصد شده را صادر می‌کند (Skinner, 1988). در این میان، متن، تجسم و تصویر این عمل است. یعنی صاحب سخن، در زمان خلق گزاره‌های متن، قصد دارد با بیان و ایراد

مجموعه این گزاره‌ها، کاری را انجام دهد. از همین رو، برای فهم این نیت نهفته در سخن و کلام، باید محیط سیاسی- اجتماعی و زمینه فکری، بازآفرینی شده و به دوره و زمان مؤلف بازگردانده و تأثیر رویدادها بر شکل‌گیری پدیده، اندیشه یا ایستار بررسی شود. در این زمان باید به نوع اندیشه پیرامون مؤلف نیز دقت نمود. با فهم چگونگی به سخن درآمدن مؤلف به‌وسیله رفتن در تحولات و افکار و اندیشه‌های محیطی پیرامونش، مفسر قادر خواهد بود تا به درک و تحلیل نظریه‌ها، تعالیم، تصمیمات و ابتکارات مؤلف برسد. در روش پژوهش قصدی-زمینه‌گرا برای تفسیر اندیشه مؤلف به جنبه‌های زندگی خصوصی و کاری او، تعاملات و ارتباطات متن و زمینه، تناظر سیر تحولات سیاسی- اجتماعی و شکل‌گیری نفوذ اندیشه مؤلف، سنت‌های دینی و اندیشه‌های معاصر مؤلف در مورد او و مقولاتی توجه می‌شود که مؤلف نیز به آن می‌اندیشید (Skinner, 1969). موارد مطرح شده به‌طور کلی در دو مورد به شکل شماره ۱، جمع می‌شوند تا به نتیجه دلخواه یعنی کشف قصد و نیت ختم شوند.

شکل شماره ۱: متدولوژی قصدی-زمینه‌گرای کوئنتین اسکینر



یافته‌های پژوهش

### ۱) فهم زمینه‌های سیاسی و فکری

برای فهم انگیزه‌های شکل‌گیری بسیج مردمی، ابتدا باید به زمان شکل‌گیری این نیروها بازگشت و با فهم بحران داخلی سوریه و عراق و موقعیت سیاسی- امنیتی و اجتماعی آن، به کشف بستر و زمینه شکل‌گیری آن پرداخت.

## ۱-۱) فهم زمینه‌ها و تحولات اجتماعی شکل‌گیری دفاع ملی در سوریه

منظور از نیروهای دفاع ملی یا بسیج مردمی سوریه، شاخه‌ای از نیروهای مسلح سوریه است که از نیروهای داوطلب مردمی پس از تابستان سال ۲۰۱۲ میلادی تشکیل شد. بررسی تحولات بیست سال اخیر سوریه نشان می‌دهد که یکی از زمینه‌های آغازین شکل‌گیری اعتراضات، نارضایتی‌های پراکنده، جنگ و پس از آن تأسیس نیروهای دفاع ملی، خشکسالی است. از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ میلادی، شدیدترین خشکسالی در سوریه ثبت شده که منجر به نابودی گسترده محصولات، افزایش قیمت مواد غذایی و مهاجرت گسترده خانواده‌های کشاورزان به مراکز شهری شد (Fountain, 2015). مهاجرت، زیرساخت‌های شهری را که پیشتر با ورود نزدیک ۱,۵ میلیون پناهنجوی عراقی به چالش کشیده شده بود، در آستانه تخریب قرار داد (Kelley, 2015). همزمانی ضعف ساختار داخلی با بروز انقلاب‌ها و شعله‌ور شدن فضای سیاسی خاورمیانه، کم‌کم زمینه آشوب داخلی سوریه را فراهم ساخت. اعتراضات ابتدایی سوریه، تأثیر گرفته از تحولات و اعتراضات سیاسی منطقه خاورمیانه موسوم به «بهار عربی» یا «بیداری اسلامی» بود. بنابراین مخالفان دولت بشار اسد کم‌کم ظاهر شدند. یکی از مهمترین و فنی‌ترین آنها، ارتش آزاد سوریه<sup>۱</sup> بود. آنها نظامیان جدا شده از ارتش سوریه بودند که در سال ۲۰۱۱ با یکدیگر علیه نیروهای رسمی دولت حاکم متحد شدند.

نیروهای ارتش آزاد سوریه از دید نظامی، به شیوه‌ای عمل می‌کردند که قدرت دولت حاکم را به شدت از درون ویران می‌نمود. اولین اقدام آنها، فراخواندن نظامیان و کارمندان برای فرار از بدنه دولت و ورود به ارتش آزاد بود. گام دوم، استفاده از شیوه‌های پیچیده مبارزه از قبیل کمین و بمب‌گذاری بود. با دانش رزمی بالا، آنها از تمرکز قوای خود به صورت یک‌جا و در یک منطقه پرهیز کرده و تلاش می‌کردند برای کاهش تلفات و افزایش ضربات، در نقاط مختلف پراکنده شوند (Cockburn, 2013). اقدام دیگر آنها روی آوردن به مناطق روستایی و کم‌جمعیت بود. با این کار، به دنبال حامی‌پروری بودند تا حمایت مردم محلی را به دست آورند. کاری که مشروعیت نظام سیاسی را به چالش کشید و عرصه را بر نظام سیاسی حاکم بر سوریه تنگ کرد. نیروهای ارتش رسمی سوریه ناگزیر قوای خود را پراکنده نموده و نیروی کمتری را برای مبارزه با شورشیان شهری به کار گرفتند. ارتش آزاد،

<sup>۱</sup> . the Free Syrian Army (FSA)

گاه اقدام به بستن جاده‌های منتهی به شهرها و شهرک‌های سوریه می‌کردند تا ۱- قوای نیروهای بشار اسد را به تحلیل ببرند؛ ۲- شرایط لازم برای جدایی سربازان دیگر ارتش را فراهم نمایند و ۳- روحیه و توان جسمی آن‌ها را سست کنند (Blomfield, 2011). در پی افزایش شمار سربازان و نیروهای نظامی خارج شده از بدنه نظامی دولت بشار اسد و عملیات‌های موفق ارتش آزاد، در ماه‌های دسامبر ۲۰۱۱ و ژانویه ۲۰۱۲، این نیروها توانستند کنترل برخی از مناطق اطراف پایتخت سوریه، به‌ویژه شهرهای الزبدانی (از سوی ارتش آزاد «نخستین شهر آزاد» لقب گرفت)، دوما و حومه‌های دمشق را به دست آورند ( Sherlock, 2011). این وقایع، دولت سوریه را به شدت در خطر زوال مشروعیت و بحران نظام سیاسی قرار داد. البته برای فهم بهتر زمینه‌های شکل‌گیری نیروهای دفاع ملی باید به تحولات بیشتری اشاره نمود. یکی از آن‌ها پیدایش جبهه‌النصره و اقدامات تروریستی آن‌ها است.

جبهه‌النصره یکی از شاخه‌های مهم سلفی‌های جهادی القاعده است که در کشور سوریه با هدف تأسیس یک دولت و سرزمین اسلامی تشکیل شد (al-Khatieb, 2014). پس از آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، فرماندهی مرکزی القاعده به ابومحمد جولانی سوری اجازه دادند تا در آگوست ۲۰۱۱ شاخه سوری القاعده را ایجاد، دولت اسد را برکنار و یک دولت اسلامی در آنجا ایجاد کند. جولانی و شماری از همفکرانش از مرز عراق به سوریه وارد شدند و با بنیادگرایان سلفی آزاد شده از زندان نظامی سدنايای سوریه<sup>۱</sup> در مه و ژوئن ۲۰۱۱ تماس گرفتند. آن‌ها از مخالفان دولت بوده و پیشتر در نبرد علیه نیروهای امنیتی اسد فعال بودند (Abouzeid, 2014). در آن مقطع، بنیاد کوليام<sup>۲</sup> گزارش داد که بسیاری از اعضای النصره، سوری و بخشی از شبکه اسلام‌گرایان تندروی ابومصعب الزرقاوی بودند که با حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق، با دولت آمریکا می‌جنگیدند.

بسیاری از مبارزان خارجی النصره، کهنه سربازهای بازمانده از درگیری‌های عراق و افغانستان بودند (Sherlock, 2012). آن‌ها برای نابودی حکومت اسد بسیار جدی و با برنامه بودند؛ به گونه‌ای که در اکتبر ۲۰۱۲، آتش‌بس چهار روزه در سوریه به خاطر جشن «عید قربان» را رد کردند. تا نیمه دوم سال ۲۰۱۲، این شاخه از سلفی‌های جهادی، در میان گروه-

1 . Syria's Sednaya military prison

2 . The Quilliam Foundation

های مسلح فعال در سوریه، برجسته‌ترین و قدرتمندترین بودند (Abouzeid, 2014). در نوامبر ۲۰۱۲، هافینگتون‌پست<sup>۱</sup> آن‌ها را آموزش‌دیده و با تجربه‌ترین مبارزان شورشی در سوریه دانست (The Huffington Post, 2013). حامی‌پروری یکی از ویژگی‌های این گروه سلفی بود. النصره در نوامبر ۲۰۱۲ بین ۶ تا ۱۰ هزار نیروی جهادی زبده و آماده داشت (Ignatius, 2015). نیروهایی که در درگیری‌های نظامی و عملیات‌های چریکی و همکاری با دیگر گروه‌های مخالف دولت، در برخی مواقع موفق و با برنامه عمل می‌کردند. در همین زمینه، دیوید ایگناتیوس<sup>۲</sup>، مفسر روزنامه واشنگتن‌پست، از النصره به عنوان هجومی‌ترین و جسور-ترین بازوی ارتش آزاد سوریه نام برد. مصداق این ادعا، نشانه‌هایی از همکاری النصره با ارتش آزاد سوریه در آگوست ۲۰۱۲، در عملیات‌های نظامی است (Roggio, 2012). این همکاری‌ها و توان رزمی النصره در رویارویی با نیروهای بشار اسد، چنان بود که گاه فرماندهان ارتش آزاد به آن اعتراف می‌کردند. ابوحیدر، هماهنگ‌کننده ارتش آزاد سوریه در منطقه سیف‌الدوله حلب می‌گوید: «جبهه‌النصره مبارزان با تجربه‌ای دارد که مانند نیروهای نخبه کماندو، انقلابی عمل می‌کنند» (Agence France-Presse, 2012). وزارت امور خارجه ایالات متحده نیز مدعی بود: «از گزارش‌هایی که از پزشکان می‌گیریم، بیشتر مصدومان و کشته شدگان ارتش آزاد از نیروهای جبهه‌النصره هستند که حکایت از شجاعت آن‌ها و [حضور نظامی] همیشگی آن‌ها در خط مقدم است» (Ignatius, 2015).

یکی از اقدامات جبهه‌النصره که دولت بشار اسد را به شدت در تنگنا گذاشت، انفجارهای متعدد، ترور و ایجاد وحشت و خشونت بسیار بالای آن‌ها بود. این اقدام، مشروعیت دولت اسد در ایجاد امنیت ملی را کاهش داد. افراط‌گرایی، قتل، غارت و خشونت غیرانسانی آن‌ها کم‌کم با تسلط بر برخی مناطق سوریه به اندازه‌ای شد که حتی وزارت امور خارجه ایالات متحده را مجاب نمود تا در دسامبر ۲۰۱۲، این گروه سلفی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد (Karouny, 2012). مجموعه عوامل بالا در کنار زمینه‌هایی چون ۱- شورش نیروهای دموکراتیک ترکیبی کرد-عرب سوریه<sup>۳</sup> (SDF) و داعش علیه بشار اسد؛ ۲- حمایت برخی کشورها همچون عربستان، ترکیه و ایالات متحده از شورشیان؛ ۳-

1. The Huffington Post

2. David Ignatius

3. the mixed Kurdish-Arab Syrian Democratic Forces



تحریم‌های اقتصادی سوریه؛ ۴- تلفات انسانی؛ ۵- رشد جمعیت آوارگان داخلی؛ ۶- افزایش مهاجرت خارجی شهروندان؛ ۷- کارشکنی کردهای سوریه و ۸- بروز نارضایتی‌های مردمی، شرایطی را برای دولت سوریه پدید آورد که از یک سو در آستانه فروپاشی بود و از سوی دیگر به کشوری چون ایران به خاطر سابقه روابط دوستانه چشم کمک داشت.

وضعیت پیش آمده برای ایران نیز بسیار خطرناک بود؛ چرا که در صورت فروپاشی سوریه، ایران هم متحد عربی خود را از دست می‌داد و هم راه امن خود با حزب‌الله لبنان را برای همیشه از دست رفته می‌دید. از این‌رو، سپاه قدس و اندیشه و تجربه سردار سلیمانی، فرمانده آن که پیشتر در جنگ تحمیلی و بحران‌هایی چون جنگ سی‌وسه روزه لبنان به کار آمده بود، می‌بایست بار دیگر به بوته آزمایش گذاشته می‌شد. به عبارتی، مشکلات و زمینه‌های طرح شده نه به شکل هم‌آبی که زنجیره‌وار بروز نمودند تا حاکمیت در سوریه با چالش بزرگی روبه‌رو شود. چالشی که با توجه به درماندگی نیروهای کلاسیک و ارتش سوریه به سرعت خود را به بحران امنیتی و فاجعه انسانی نزدیک می‌ساخت. پس زمینه‌های ورود سپاه قدس و نیروهای حزب‌الله برای اتخاذ تدابیر نوین و رفع این معضل ساختاری فراهم شد. یکی از مهمترین این تدابیر بسیج مردم و دخالت دادن آن‌ها در حفظ امنیت کشور بود.

### شکل شماره ۲: زمینه‌های شکل‌گیری نیروهای دفاع ملی در سوریه



### ۲-۱) فهم زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری حشدالشعبی

بسیج مردمی عراق، حشدالشعبی یا بسیج عراق از سال ۲۰۱۴، برای مبارزه با داعش سازماندهی شد. حشدالشعبی نیز مانند دفاع ملی سوریه، نیروهای مردمی سازمان یافته‌ای بودند که در بسیاری از مواقع در وضع بحرانی عراق به کمک دولت آمدند. برای کشف زمینه‌های شکل‌گیری این نهاد نیز باید به تحولات سیاسی- اجتماعی آن زمان ورود نمود و به این پرسش پاسخ دهیم که چه زمینه و بستری برای شکل‌گیری این سازمان وجود داشت؟ در حالی که عراق نیز مانند دولت سوریه ارتش کلاسیک خود را داشت.

تحولات عراق پس از صدام، حکایت از اختلاف نظر در مورد آینده سیاسی، ساختار سیاسی و نحوه نقش‌آفرینی شیعیان در آن داشت. افزون‌بر این، تا زمان بحران داخلی عراق، هیچ‌یک از گروه‌ها چه شیعه و چه سنی برای ترسیم حکومت مناسب، الگوها و مدل‌های مطلوبی ارائه نکردند. یکی از پیچیده‌ترین عوامل سیاست داخلی عراق، ابهام و تعارض در مورد کیفیت تعامل با آمریکا و حضور آن‌ها در عراق بود. افزون‌بر این، سابقه تاریخی تنش‌ها و انگیزه‌های خشن و کینه‌توزانه طایفه‌ای میان شیعه و سنی، فضای فکری-ایدئولوژیکی را بیش از پیش آماده‌ی حوادث می‌نمود. همچنین مشرب‌های فکری متفاوتی پیرامون اندیشه‌های مراجع گذشته مانند آیت‌الله خویی، صدر، حکیم و دیگران پدید آمده بود. این اندیشه‌ها به‌وسیله مریدان و بیوت آن‌ها ترویج می‌شد. بنابراین بستر همبستگی، همدلی و اجماع میان شیعیان، حوزه‌های علمیه، سنی‌مذهبان، نظامیان و دانشگاهیان با چالش‌های فراوانی روبه‌رو بود. گذشته از این، موارد دیگری نیز جامعه و فضای فکری-اجتماعی عراق را آماده حضور داعش نموده و در آستانه یک فاجعه انسانی قرار داد. از جمله آن‌ها، ۱- نبود نظام و شبکه رسانه‌ای جامع که از تشکیل اجتماع معاندان دولت عراق جلوگیری نموده و همبستگی پدید آورد؛ ۲- حساس شدن دولت‌های عربی از قدرت‌یابی شیعیان و حمایت از رقبا و گروه‌های پرنفوذ اهل سنت؛ ۳- مخالفت راهبردی آمریکا از پیوند شیعیان عراق با ایران به عنوان برترین متحد ایدئولوژیکی منطقه‌ای؛ ۴- نفوذ برخی جریان‌های انحرافی میان روحانیون و مدیران شیعه که بانی فرقه‌گرایی و گسست میان روحانیت شده بودند؛ ۵- خلاء قدرت و فراهم آمدن بستر لازم برای نفوذ اندیشه افراطی (باقری، ۱۳۹۲). بدین‌سان با فراهم شدن بستر بروز مرام و کنش داعش در عراق، کم‌کم زیربنای امنیت، مشروعیت و قوام حاکمیت در عراق با بحران روبه‌رو شد.

بی‌گمان زمینه‌های شکل‌گیری بسیج مردمی در عراق بیش از هر چیزی، به جنگ این دولت با داعش برمی‌گردد. جنگی که در دسامبر ۲۰۱۳ آغاز و در دسامبر ۲۰۱۷ پایان یافت. در سال ۲۰۱۳، داعش با فتح رمادی، فلوجه، موصل، تکریت و مناطق عمده شمال عراق، به جنگی همه‌جانبه با دولت حاکم دست زد. این گروه سلفی جهادی در زمان اوج خود، ۵۶۰۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق و ۴،۵ میلیون شهروند را در اختیار داشت. فشار وارد شده به دولت عراق به خاطر این جنگ، منجر به استعفای اجباری نخست‌وزیر، نوری‌المالکی شد. از

سویی، اوج‌گیری حملات داعش ۱- زمینه‌ساز حمله هوایی گسترده توسط ایالات متحده و ورود مستقیم این کشور در تحولات عراق و ۲- مشارکت نیروهای آمریکایی و کانادایی در عملیات رزمی زمینی و نفوذ در این کشور شد (Russia Today, 2014).

پیشروی داعش در خاک عراق ضمن تحقیر حاکمیت، روز به روز بیشتر شده و بر نفوذ خود و جلب نظر مخالفان می‌افزود. آن‌ها در جریان مبارزات خود در انبار، تا ژوئن ۲۰۱۴ حداقل ۷۰ درصد از استان الانبار (Henderson, 2014) و از جمله شهرهای فلوجه، القائم و نیمی از مرکز استان رمادی را تصرف کردند (NY Daily News, 2014). نیروهای داعش حتی به ابوغریب در استان بغداد نفوذ کردند. در اوایل ژوئن ۲۰۱۴، داعش کنترل موصل، دومین شهر پرجمعیت عراق، سپس تلعفر و بیشتر استان نینوا و اطراف آن را به دست گرفت (Al-Salhy & Arango, 2014). داعش همچنین بخش‌هایی از استان‌های کرکوک و دیالی، تکریت و مرکز اداری استان صلاح‌الدین را با هدف نهایی تصرف بغداد، اشغال کرد (Al-Sanjary & Ahmed, 2014). در آن فضای سیاسی-اجتماعی گمان بر این بود که داعش تا زمان نبردهای موصل، فقط دو تا سه هزار مبارز دارد؛ اما نه تنها در شمار نیروها، بلکه در کیفیت مبارزه، برنامه و بی‌رحمی آن‌ها نیز اشتباه کردند (Neriah, 2014). ترفند داعش در اغفال و تهدید باعث شد شمار بسیاری از گروه‌های سنی در عراق که مخالف دولت شیعه بودند به این گروه پیوسته و بدین‌سان جمعیت آن‌ها تقویت شود (Sherlock, Malouf, 2014). با وجود قدرت‌یابی آن‌ها، کردهای عراق ابتدا بی‌تفاوت بودند. تا اینکه داعش به مناطق کردنشین حمله کرد (Collard, 2014). نبود روحیه مبارزه با نیروهای افراط‌گرای تکفیری، اختلافات درون حاکمیتی و ضعف ساختار سیاسی-نظامی، قلمرو متصرفات داعش را تا پیش از تشکیل بسیج مردمی بسیار گسترده ساخت.

از جمله تاکتیک‌های جنگی داعش، وحشت انداختن در دل نیروهای رو در روی خود بود. این اقدام باعث ترس شدید و خالی شدن پشت جبهه مبارزه با داعش و در نهایت فاجعه انسانی می‌شد. برای نمونه، در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۴، داعش ۱۷۰۰ نفر از افسران غیرمسلح نیروی هوایی عراق را به قتل رساند. آن‌ها در تلاش برای فرار به محل زندگی خود دستگیر شده بودند. سپس بسیاری از تصاویر اعدام‌های گسترده را از طریق توئیتر و وبسایت‌های مختلف منتشر کردند. در اواخر ماه ژوئن ۲۰۱۴، یک روز پس از تصرف گذرگاه مرزی القائم، داعش

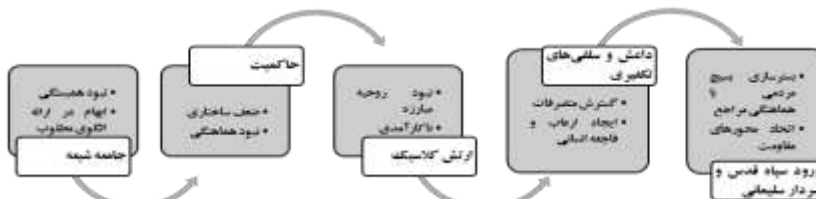
دو گذرگاه اصلی در انبار را تصرف کرد. تصرف این گذرگاه‌ها به داعش در انتقال سلاح و تجهیزات به جبهه‌های مختلف جنگ کمک بسیاری کرد (Norland, & Rubin, 2014).

انفجار مراکز مذهبی و ملی و مصادره آثار آن، یکی دیگر از ابزارهای رزمی برای ایجاد ترس و کاهش مشروعیت دولت‌های حاکم بر عراق و سوریه بود. برای نمونه، در ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۴، داعش مسجد و آرامگاه یونس پیامبر<sup>(ع)</sup> را در موصل منفجر کرد (Guardian, 2014). اهمیت این مسجد چنان بود که ساکنان منطقه باور داشتند که داعش با این کار قطعه‌ای از میراث عراق را پاک کرده است. آرامگاه یونس<sup>(ع)</sup> یک مکان مقدس برای یهودیان نیز بود (Malas, 2014). چند روز بعد، داعش همچنین زیارتگاه شیث‌نبی<sup>(ع)</sup> در موصل را منفجر کرد (Al Arabiya, 2014).

در حمله ماه اوت ۲۰۱۴، داعش سنجار و شمار دیگری از شهرهای شمال عراق را تصرف کرد. نداشتن روحیه رزم و هماهنگی در میان ارتش کلاسیک باعث شد تا نزدیک به ۲۰۰،۰۰۰ غیرنظامی که بیشتر ایزدی بودند، از نبردهای شهر سنجار آسیب ببینند. در این میان نزدیک ۵۰،۰۰۰ نفر از آن‌ها به کوه‌های سنجار فرار کردند؛ جایی که بدون آب، غذا و مراقبت‌های پزشکی به دام افتادند و با گرسنگی و کم‌آبی و تلفات جانی روبه‌رو شدند (Spencer, 2014). در جریان این حمله، داعش تا ۳۰ کیلومتری اربیل پایتخت کردستان عراق پیش رفت (Salih, van Wilgenburg, 2014). در ۲۱ اکتبر ۲۰۱۴، داعش زمین‌های شمالی کوه‌های سنجار را تصرف و مسیر فرار به مناطق کردنشین را قطع کرد. ایزدی‌ها از آنجا به سمت کوه‌ها عقب‌نشینی کردند. شمار پناهجویان غیرنظامی ایزدی دو تا هفت هزار نفر تخمین زده شد (NewsComAu, 2014). ناتوانی ارتش عراق در رویارویی با داعش چنان بود که از حملات نیروی هوایی سوریه به خاک خود، بدون اجازه و اطلاع‌رسانی برای ضربه زدن به داعش، استقبال می‌کرد. برای نمونه، دو روز بعد از تصرف گذرگاه‌های انبار، نیروی هوایی سوریه، مواضع داعش در عراق را در نزدیکی پست مرزی القائم بمباران کرد. در این باره نخست‌وزیر عراق، نوری‌المالکی گفت: «هیچ هماهنگی انجام نشده است، اما ما از این اقدام استقبال می‌کنیم» (Chulov & Hawramy, 2014). مجموعه موارد یاد شده همچون اختلافات درونی جریان حاکم بر شیعه عراق، دخالت‌های دیگر کشورها، ناتوانی ارتش عراق در رویارویی با جنگ‌های پارتیزانی، احتمال ورود داعش به ایران به خاطر مرزهای زمینی گسترده میان دو کشور و استقبال عراق از ورود سپاه قدس، باعث شد تا بستر لازم برای ورود

سردار سلیمانی و نیروهای تحت امر او فراهم آید. بدین سان عراق در آستانه تشکیل بسیج مردمی یعنی اقدامی که تخصص سردار سلیمانی بود قرار گرفت.

### شکل شماره ۳: زمینه‌های شکل‌گیری حشدالشعبی



### ۲) نقش سردار سلیمانی و فهم متن و آراء مطرح شده

متناسب با متدولوژی هرمنوتیک قصدگرا، برای فهم دقیق نقش و قصد سردار سلیمانی در حمایت از پدید آوردن بسیج مردمی در عراق و سوریه، افزون‌بر بررسی‌های زمینه‌ای، باید به متن او و متون مربوط به او نیز مراجعه کرد. متن عبارت است از نوشته‌ها و گفته‌های مستقیم و غیرمستقیم و حتی اشارات سردار سلیمانی و دیگران درباره او، بسیج مردمی عراق و سوریه و مقولاتی که سردار سلیمانی در عراق و سوریه به آن‌ها فکر کرده است. به باور سردار سلیمانی:

«حشد یک امر واجب و ضروری برای ملت عراق بود که برای همیشه نگاه بدخواهان را از عراق و هر نگاه توطئه‌آمیزی را در عراق برای همیشه خنثی کرد. یک قدرت مردمی عظیمی پایه گذاشته، تأثیر فرهنگی بسیار عظیم حشد، تأثیر بزرگی بوده، امروز ستاد حشد و ساختارهای حشد قدرتمندتر از هر ارتشی در منطقه هستند، حشد یک ارتش قدرتمند و بزرگی است و این کار بزرگی است» (سلیمانی، ۱۳۹۵).

این مطلب عمق اهمیت نیروهای بسیج مردمی را در نگاه سردار سلیمانی بازتاب می‌دهد. اما پیش از پرداختن به متن‌های مورد اشاره، ابتدا باید کوتاه، به بررسی ابعاد وجودی سردار سلیمانی در خاک سوریه و عراق و نفوذ او در میان نیروهای مردمی و محور مقاومت پرداخت.

سردار قاسم سلیمانی در سال ۱۹۷۹ و پس از انقلاب اسلامی ایران، به سپاه پاسداران

پیوست. این جمله از دکستر فیلکینز<sup>۱</sup> روزنامه‌نگار نیویورکر در ۳۰ دسامبر ۲۰۱۳، ماهیت وجودی وی را بیشتر مشخص می‌کند «من با یک مأموریت پانزده روزه وارد [جنگ عراق علیه ایران] شدم و در پایان ماندم تا آخر... همه ما جوان بودیم و می‌خواستیم به انقلاب خدمت کنیم». او که در بازپسگیری سرزمین‌های اشغالی ایران به دست عراق فردی مجرب شده بود، مدیریت و فرماندهی نظامی را از همان اوایل جوانی تجربه نمود. به گونه‌ای که وقتی هنوز ۲۰ ساله نبود، فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله شد. پس از جنگ، طی دهه ۱۹۹۰، سلیمانی فرمانده سپاه در استان کرمان بود. در این زمان، تجربه نظامی سلیمانی به وی کمک کرد تا به عنوان مبارزی موفق علیه قاچاق مواد مخدر شهرت منطقه‌ای و حتی جهانی بیابد. موفقیت‌های روزافزون وی، او را تا فرمانده نیروی قدس سپاه در سال ۱۹۹۷ نیز پیش برد. سلیمانی پس از انتصاب خود، شدیداً روابط بین نیروی قدس و حزب‌الله و محورهای مقاومت در منطقه خاورمیانه، به‌ویژه عراق و سوریه را تقویت کرد (Filkins, 2013). در مصاحبه‌ای که در اکتبر ۲۰۱۹ پخش شد، سردار سلیمانی اعلام نمود که برای مدیریت درگیری‌ها در طول جنگ سال ۲۰۰۶ اسرائیل و حزب‌الله، در لبنان بوده است (Alfoneh, 2011). «من تا پایان جنگ برگشتم و به‌طور کامل در این ۳۳ روز در لبنان ماندم» (سلیمانی، ۱۳۹۸).

در ۲۴ ژانویه ۲۰۱۱، سردار سلیمانی توسط (آیت‌الله) سیدعلی خامنه‌ای به سمت سرلشکری ارتقا یافت. او سلیمانی را «شهید زنده» می‌خواند و تحلیل‌گران منطقه خاورمیانه به سبب شجاعت، تدبیر و ویژگی‌های منحصر به فردش، القابی چون مالک‌اشتر، سردار دل‌ها، فرمانده سایه، فرمانده آرام، شوالیه و... برای او به کار می‌بردند. به باور عوامل سازمان سیا، او «مسئول عملیات‌های سری در عراق و سوریه»، «یگانه فرمانده عملگرا و قدرتمندترین در خاورمیانه»، «استراتژیست و طراح تاکتیک‌های اصلی نظامی در خاورمیانه»، «مانع بزرگ نفوذ غرب در خاورمیانه» و «عامل گسترش ایدئولوژی شیعه و ایران در منطقه» است (Filkins, 2013). نفوذ او در سراسر خاورمیانه و به‌ویژه سوریه و عراق چنان بود که هم فرماندهان ارتش کلاسیک و هم نیروهای محور مقاومت او را می‌ستودند و پیرو منویاتش بودند (Abbas, 2013).

هوش بالا، نفوذ و سخت‌کوشی سردار سلیمانی چنان بود که به اذعان چندین منبع، از

<sup>۱</sup> . Dexter Filkins

جمله «ریاض حجاب»، نخست‌وزیر سابق سوریه که در آگوست ۲۰۱۲ خلع شد، سلیمانی به قوی‌ترین، مورد اعتمادترین و با نفوذترین حامی دولت در جنگ داخلی سوریه مبدل شد (Abbas, 2013). مطابق متن صادر شده از علی عبدالله ایوب وزیر دفاع سوریه، «سلیمانی از سال ۲۰۱۱ در برنامه‌ریزی و اجرای محاصرهٔ بابعمره، در حصر حمص و بسیاری از نقاط دیگر مشارکت داشت» (The Times, 2020). در نیمهٔ سال ۲۰۱۲، هنگامی که نیروهای دفاع ملی زمزمهٔ شکل‌گیری به خود می‌گیرند، سلیمانی فرماندهی نظامی سپاه ایران و حتی نیروهای رسمی در جنگ داخلی سوریه را به عهده گرفت. آن زمان ایران و متحدان اندک بشار اسد و شخص اسد، به شدت نگران ناتوانی در نبرد با مخالفان و عواقب منفی آن برای جمهوری اسلامی در صورت سقوط دولت سوریه بودند. از همین رو، سلیمانی از پایگاهی در دمشق جلسات خود برای تشکیل بسیج نیروهای دفاع ملی را با مشاوران ایرانی، سوری، عراقی و فرماندهان حزب‌الله لبنان تشکیل می‌داد.

دفتر فرماندهی در دمشق سه وظیفهٔ اصلی دیگر نیز داشت: ۱- طراحی و هماهنگی حملات نیروهای دفاع ملی و محور مقاومت؛ ۲- آموزش نیروهای بسیجی و مردمی و ۳- ایجاد یک سیستم دقیق برای نظارت بر تحرکات تجزیه‌طلبان به‌وسیله بسیج مردمی. مطابق ادعای دکستر فیلکینز، سردار سلیمانی هزاران نفر از نیروهای دفاع ملی سوریه، قدس، زینیون، فاطمیان، بدر، حشدالشعبی و... را در سراسر کشور سوریه فرماندهی می‌کرد. در همین راستا، به گفتهٔ جان مگوایر، افسر سابق سیا، برنامه‌ریزی و بازپس‌گیری منطقهٔ قصیر در ماه مه ۲۰۱۳، از نیروهای سلفی جهادی، توسط شخص سردار سلیمانی تنظیم شد (Filkins, 2013). گام بعدی سردار سلیمانی دربارهٔ نیروهای دفاع ملی کمک به آن‌ها برای پذیرش حضور دیگر محورهای مقاومت و هماهنگی با آن‌ها بود. در همین زمینه مارتا ارون می‌گوید «سلیمانی که به تأسیس نیروهای دفاع ملی (NDF) در سال ۲۰۱۳ کمک کرده بود، شرایطی را پدید آورد تا گروه‌های هوادار اسد ائتلاف لازم را به‌دست آورده و با یکدیگر هماهنگ شوند» (Arron, 2014). با این اقدام، او هم ائتلاف میان نیروها را مستحکم ساخت و هم آشتی میان نیروهای بسیج مردمی و حاکمیت را قوی‌تر می‌نمود. واکاوی بیانات او، به خوبی نشان‌دهندهٔ کیفیت این قدرت وحدت‌بخش در ضمیر سردار سلیمانی است. برای نمونه، دربارهٔ حمایت و بسیج مردمی سوریه به نفع نظام سیاسی آن می‌گوید:

«من معتقدم با همتی که از مردم سوریه می‌بینیم به‌رغم همه تبلیغات گسترده‌ای که صورت گرفته است، به‌رغم همه محدودیت‌هایی که امروز متوجه مردم آن‌ها است، این مردم آگاهانه بدون توجه به این حجم تبلیغات دشمنان‌شان پشت سر نظام‌شان ایستادند، این نظام و این مردم شکست‌ناپذیرند و شکست نخواهند خورد، این‌ها در این صحنه خواهند ماند و پیروز خواهند شد و این حرکت هم مانند دیگر حرکت‌هایی که آن‌ها ناشیانه انجام دادند منجر به شکست خواهد شد» (سلیمانی، ۱۳۹۵).

افزون‌بر این، سردار سلیمانی شخصاً فرماندهی لشکر ۴ مکانیزه ارتش عربی سوریه، حزب‌الله لبنان، حرکت النجبا عراقی، کتائب حزب‌الله (عراقی)، لیوا ابوالفضل العباس (عراقی) و فرقه فاطیمون (داوطلبان افغان- ایرانی) را بر عهده داشت (Fadel, 2015). تمام تلاش سردار سلیمانی در این زمان، اتحاد، همدلی و مشارکت نظامی این گروه‌ها در رویارویی با سلفی‌های جهادی و ارتش آزاد بود. در این کار، او موفقیت‌های زیادی را به دست آورد. برای نمونه، در اوایل فوریه ۲۰۱۶، لشکر ۴ مکانیزه - با پشتیبانی حملات نیروی هوایی روسیه و سوریه - با هماهنگی نزدیک با حزب‌الله، نیروهای دفاع ملی (NDF)، کتائب حزب‌الله و حرکت النجبا، حمله‌های پرمه‌ای را در استان حلب آغاز کرد. در پی این تلاش‌ها، سرانجام محاصره سه ساله نوبل و الزهرا شکسته و راه اصلی تأمین شورشیان از ترکیه قطع گردید (Toumaj, 2016).

در عراق نیز سردار سلیمانی شرایط را برای شکل‌گیری، قوام و انسجام یافتن نیروهای حشدالشعبی فراهم نمود. این را می‌توان از ارتباط دوستانه با «ابومهدی مهندس» معاون بسیج مردمی عراق و فرمانده میدانی این نیرو، فهمید. همان کسی که خالصانه خود را سرباز سردار سلیمانی می‌دانست. ارتباط دوستانه میان آن‌ها به بیان ابوالثیر السالم مدیر مرکز حفظ و نشر آثار مقاومت اسلامی عراق به گذشته بر می‌گردد: «رابطه شهید سلیمانی و شهید ابومهدی از زمانی است که شهید سلیمانی به عنوان فرمانده سپاه قدس انتخاب شد و ایشان از همان زمان با مجاهدین عراقی و به‌ویژه رزمندگان بدر ارتباطش بیشتر شد. از سال‌های دهه ۹۰ تا ۹۵ میلادی شهید ابومهدی با شهید سلیمانی ارتباط داشتند و از نزدیک جلسات و کارهای مختلف بدر با هماهنگی او انجام می‌شد» (السالم، ۱۳۹۹). این رابطه پس از سقوط صدام به رابطه گسترده‌تر و مهم‌تری تبدیل شد. در آن زمان، آن‌ها در سه مورد حساس با یکدیگر همکاری داشتند: ۱- تقابل با اشغال‌گران آمریکایی؛ ۲- تشکیل حکومت عراق و ۳- بسیج مردمی علیه



داعش. از همین رو، با رابطه‌های پیشین که با کردها، مسیحیان و سنی‌ها داشتند، زمینه هماهنگی برای تشکیل حشدالشعبی، تقابل با داعش و تزریق آرامش سیاسی به داخل خاک عراق را فراهم نمودند. آنچه در کنار هماهنگی و همکاری مهندس و سلیمانی به تشکیل بسیج مردمی عراق کمک نمود، فتوای مراجع عراق به‌ویژه فتوای جهاد آیت‌الله سیستانی بود. سلیمانی درباره اهمیت این فتوا می‌گوید:

«فتوای این مرد موقعیت‌شناس، این حکیم به موقع به پا خواسته، باعث شد جوانان عراق را به خروج وادار کند و این شجره طیبه مقدس ارزشمند حشدالشعبی مقدس را بنا گذاشت. این فتوا اثر یک فتوای یک مرجع، یک انسان حکیم و متقی در وقت خودش... مردم عراق را به صف مبارزه کشاند و عراق را نجات داد» (سلیمانی، ۱۳۹۶).

پس از شکل‌گیری بسیج مردمی، بزرگترین هدف مشترک مراجع، سلیمانی و مهندس، رویارویی با داعش بود. «از همان روزهای اول هجوم داعش، شهید سلیمانی در خانه شهیدابومهدی حاضر شدند و با هم حرکت کردند به سمت دجیل تا جلوی نیروی داعش را بگیرند و از پیشروی آن‌ها به سمت بغداد جلوگیری کنند و عملیات آزادسازی دجیل - بلد سامرا را با هم فرماندهی کردند» (السالم، ۱۳۹۹). در سال ۲۰۱۶، عکس‌های منتشر شده توسط یک منبع نیروهای بسیج مردمی نشان داد که سلیمانی در جلسه فرماندهان حشدالشعبی در عراق برای بحث در مورد نبرد فلوجه شرکت می‌کند (Fars News, 2016). البته حضور سردار سلیمانی به شرکت در جلسات ختم نمی‌شد بلکه در نهایت به راهبری آن‌ها و وحدت میان نیروهای شیعه، گرد و سنی منجر می‌شد. برای نمونه، در نوامبر ۲۰۱۴، نیروهای شیعه و گرد تحت فرماندهی سلیمانی، داعش را از روستاهای جلالولا و سعديه در استان دیالی عراق بیرون راندند (Rasheed, 2015). واکنش سریع سلیمانی پس از سقوط موصل نشان از متحد نمودن نیروهای بسیج مردمی، کردها و محور مقاومت و حکایت از نفوذ فوق‌العاده وی در راهبری عملیات‌های نظامی دارد.

۳) متدولوژی اسکینر و نیت سردار سلیمانی در حمایت از نیروهای مردمی عراق و

#### سوریه

بر اساس آنچه تاکنون مورد بررسی قرار گرفت و مطابق روش شناسی اسکینر، پس از بررسی زمینه‌ها و متن‌های مرتبط با سردار سلیمانی باید به این پرسش پاسخ دهیم که سردار

سلیمانی در حمایت از بسیج مردمی عراق و سوریه که خود نیز از جمله عوامل سازنده آن است، چه قصد و نیتی داشته است؟ (Skinner, 2002). کاری که تا پیش از این انجام شد، فهم زمینه‌های شکل‌گیری بسیج مردمی بود، یعنی بازگشت به زمان شکل‌گیری و فضای محیطی آن زمان. اینکه پس از بررسی متون و منابع موجود و شناخت سردار سلیمانی، باید به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که چه نیت یا نیاتی در حمایت از این گروه، قرار گرفتن در جلسات آن‌ها، راهبری، راهنمایی و طراحی برنامه‌های عملیاتی آن‌ها داشته است. به نظر می‌رسد به‌طور کلی دو دسته نیت زیر را می‌توان برای سردار سلیمانی در نظر گرفت:

### ۳-۱) نیت کوتاه‌مدت

۱) واگذاری امنیت بخشی از شهرها به نیروهای مردمی و بسیجی تا ضمن دور کردن آن‌ها از پیوستن به سلفی‌های تکفیری، این فرصت را برای ارتش کلاسیک سوریه و عراق فراهم نماید که بتوانند با توان و شمار بیشتری در صحنه‌های درگیری با سلفی‌ها ظاهر شوند. از این رو، آن‌ها ضمن دریافت آموزش‌های نظامی مختلف و تبدیل شدن به بازیگران مبارز، با برپایی گشت‌ها و ایستگاه‌های بازرسی، مانع بزرگی برای ورود افراد مسلح به برخی مناطق حساس شدند. برای نمونه، امنیت محله زینیه، امنیت حرم حضرت زینب<sup>(س)</sup> و حرم حضرت رقیه<sup>(س)</sup> به‌وسیله آن‌ها تضمین شد؛

۲) باز نمودن دست رهبران نظامی ارتش عراق و سوریه با ورود یک نیروی بزرگ نظامی کمکی به میدان نبرد و تقویت روحیه ارتش؛

۳) نمایش و اعلام مشروعیت مردمی حکومت عراق و به‌ویژه سوریه که آماج حملات رسانه‌های قدرتمند بیگانه و مخالفان داخلی قرار داشتند. تا پیش از تشکیل و حرکت این نیروهای مردمی چند صد هزار نفری، با مذاهب و نژادهای مختلف، رسانه‌های بیگانه ضمن پوشش راهپیمایی ناراضیان، به مخاطبان خود مشروعیت نداشتن دولت‌ها را القا می‌کردند؛

۴) حذف گزینه حمله نظامی گسترده کشورهای مؤتلف غربی و در رأس آن‌ها آمریکا به سوریه و عراق و بالا بردن ریسک آن برای حضور پرشور مردم در میداين نبرد؛

۵) مشارکت دادن مردم در آینده نظام سیاسی و دفع امکان نفوذ دوباره نیروهای افراط‌گرا در میان ساکنین آن مناطق.

### ۲-۳) نیات بلندمدت

۱) بسترسازی برای پدید آمدن دو نیروی بزرگ هم طراز حزب‌الله لبنان در منطقه با هدف تقابل با هرگونه مداخله خارجی، تجزیه‌طلبی و بی‌ثباتی. چنانکه سردار سلیمانی در دهمین سالگرد شهادت عماد مغنیه می‌گوید:

«این راه، راه شهیدان، راه عماد مغنیه، راه جهاد مغنیه، راه دیگر شهدای ارزشمند فلسطین و لبنان و عراق و جاهای مختلف دیگر استمرار پیدا خواهد کرد و امروز شما می‌بینید جبهه مقاومت از یک جبهه و نقطه و یک منطقه محدود، وسعت بزرگی پیدا کرده و پیدا خواهد کرد و هر روز بر وسعت آن افزوده خواهد شد» (سلیمانی، ۱۳۹۶).

۲) حفظ محور مقاومت، جلوگیری از جنگ‌های مذهبی و خشن نمودن سیمای اسلام: «این توطئه که دو هدف داشت، یکی فروپاشی جبهه مقاومت، با فروپاشی مهمترین کشور که محور پایداری مقاومت بود؛ دوم با شعله‌ور کردن جنگ مذهبی و طایفه‌ای و رونق بخشیدن به جبهه‌النصره، داعش و گروه‌های تکفیری، جمهوری اسلامی و حزب‌الله و فلسطین را زمین‌گیر کند و همه عالم اسلامی را مشغول خودش بکند» (سلیمانی، ۱۳۹۵).

۳) حفاظت از مرز و بوم ایران بر حسب اعتقاداتی که به این خاک و ساختار سیاسی آن داشت:

«عنایت کنید: جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع است. امروز قرارگاه حسین‌بن علی<sup>(ع)</sup>، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی<sup>(ع)</sup> و نه حرم محمدی<sup>(ص)</sup>» (سلیمانی، ۱۳۹۶).

۴) حفظ امنیت خاورمیانه، جهان و عالم اسلام؛ زیرا عقیده سردار سلیمانی این بود که داعش برای همه جهانینان و عالم اسلام خطرناک است:

«تهدیدی که نه فقط عراق را تهدید کرد و وحدت عراق را با خطر مواجه کرد، بلکه آرام آرام جهان و منطقه را با خطر بزرگ مواجه کرد، پدیده سیاه و شومی به نام داعش که بسیار خطرناک و خسارت عظیم و بزرگی به عالم اسلامی وارد کرد و جهان اسلام غیر از خسارت‌های دوره اولیه‌اش در حادثه جنگ خوارج، حادثه‌ای به این سهمگینی که یک حریق گسترده‌ای را در درون خانواده و خانه عالم اسلام پدید بیاورد، به این شدت و به این حجم

خسارت به خود ندیده است» (سلیمانی، ۱۳۹۶).

۵) دستیابی به آرمان آزادسازی قدس با خلق نیروهای هماهنگ با سپاه قدس: «منظور از نیروی قدس آماده‌سازی ارتش بیست میلیونی برای آزادسازی قدس است. این ارتش متشکل از گروه‌هایی از نیروهای مقاومت است که در تمام منطقه حضور دارند؛ چه در فلسطین چه در لبنان، عراق، پاکستان، افغانستان یا سوریه» (قاسم، ۱۳۹۹).

### نتیجه‌گیری

بر مبنای بررسی‌های زمینه‌ای، نتایج نشان می‌دهد که بحران سوریه در نتیجه استفاده سلفی‌های تکفیری و حامیان آن‌ها از اعتراضات و ناراضی‌های پراکنده شهروندان این کشور در اجرای اهدافشان در منطقه پدید آمد. حضور نیروهای افراط‌گرا در عراق نیز معلول زمینه‌های داخلی و دخالت برخی کشورهای خارجی بود. طبق سناریو و اهداف تجزیه‌طلبان و مخالفان دولت عراق و سوریه، حذف بشار اسد و تجزیه عراق به معنای از بین رفتن حلقه‌های مهمی از زنجیره محور مقاومتی بود که گفتمان جمهوری اسلامی ایران را به حماس و حزب‌الله لبنان می‌رساند. اما روند تحولات کم‌کم و نزدیک یک سال پس از آغاز بحران سوریه و عراق به دلیل ورود با برنامه و امیدبخش سپاه قدس به فرماندهی سردار سلیمانی تغییر کرد. در این راستا، تجربه سردار سلیمانی در کمک به تأسیس سازمان بسیج مردمی به نام‌های نیروهای دفاع ملی و حشدالشعبی برای رویارویی با مخالفان دولت عراق و سوریه راهگشا بود.

سردار سلیمانی و هم‌زمان عراقی و سوریه‌ای او، با پیشنهاد شکل‌گیری کمیته‌های مردمی، آموزش و تجهیز آن‌ها به سلاح، زمینه‌ساز تقویت توان ارتش سوریه و عراق شدند. آن‌ها با حضور در میدان جنگ، حمایت از نظام سیاسی و ایجاد پست‌های ایست بازرسی، اقدام به پشتیبانی از ارتش کردند. این گروه‌ها در سوریه عملیات‌های متعدد و موفقیت‌آمیزی در استان‌های حلب در شمال، حماه و حمص در مرکز، لاذقیه و طرطوس در غرب، دمشق و سویدا در جنوب انجام دادند که بسیار امیدآفرین بود. در عراق نیز در انبار، فلوجه، القائم، رمادی و موصل، مناطق اطراف بغداد و حتی در مناطق کردنشین ورود پیدا نموده و فشار حاکم بر نیروهای ارتش کلاسیک را کاهش دادند. در این میان، شکل‌گیری بسیج مردمی در

میانه نگرانی‌های امنیتی عراق و سوریه در آن دوران، مهر تأییدی بر پایه‌های مشروعیت آن‌ها بود. مشروعیت، حفظ مناطق سرزمینی و بقای ساختاری سیاسی حاکم بر عراق و سوریه، از جمله نیت کوتاه‌مدت سردار سلیمانی بود. اما او در ابعاد کلانتر و در بُعد نیت بلندمدت، به حفظ امنیت ایران، جهان اسلام و عالم بشریت فکر می‌کرد. ضمن اینکه به دنبال قدرتمند ساختن نیروهای بسیج مردمی عراق و سوریه برای قوام بخشیدن به بدنه محورهاى مقاومت نیز بود.

آزاد، امیرحامد (۱۳۹۴). «الگوی مطلوب در عراق: حشدالشعبی و آسیب‌پذیری‌های آن»، نشریه مطالعات راهبردی جهان اسلام، زمستان، شماره ۴، پیاپی ۶۴، صص ۸۰-۵۱.

اسدی، عباس و مجیدی، مصطفی (۱۳۹۷). «تحلیل گفتمان حاکم بر ساختار تبلیغاتی داعش (مورد مطالعه: مجله دابق)»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۴، بهار، صص ۲۴-۸.

افشون، تورج و عبدالحسین‌الله‌کرم (۱۳۹۷). «مقایسه رویکرد امنیتی آمریکا و حشدالشعبی در عراق: عملکرد و چشم‌انداز»، مطالعات روابط بین‌الملل، تابستان، شماره ۴۲، صص ۷۲-۴۱.

السالم، ابواتیر (۱۳۹۹). مدیر مرکز حفظ و نشر آثار مقاومت اسلامی عراق در گفتگو با حوزه: فرماندهی حشدالشعبی از منزل شخصی ابومهدی آغاز شد، ۱۳۹۹/۷/۲۶، نقل شده در سایت: <https://www.hawzahnews.com/news/922627>

امام‌خمينی (ره) (۱۳۸۷). صحیفه‌نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمينی (ره).

امیری، سروش (۱۳۹۷). «بررسی انقلاب‌های کشورهای اسلامی با تأکید بر انقلاب اسلامی و انقلاب‌های عربی»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۵، تابستان، صص ۲۸-۸.

باقری، حسین (۱۳۹۲). «بازیگران داخلی در ساختار سیاسی عراق نوین و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره نوزدهم، تابستان، صص ۱۶۵-۱۳۵.

چهرآزاد، سعید؛ طاهری، ابوالقاسم و صابروورگ، عقیل (۱۳۹۶). بحران سوریه، غرب و استراتژی موازنه ضعف، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال اول، شماره ۲، پاییز، صص ۸۱-۵۹.

حلفی، مهدی (۱۳۹۵). «حشدالشعبی بسیج مردمی عراق»، مجله پاسدار اسلام، اردیبهشت و خرداد، شماره ۴۱۱، صص ۴۹-۴۶.

سلیمانی، قاسم (۱۳۹۵). متن کامل سخنرانی سردار قاسم سلیمانی در سالروز شهادت شهید همدانی، ۱۳۹۵/۷/۱۴، نقل شده در سایت:

<http://mgt.ihu.ac.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=85&fkeyid=&siteid=85&pageid=8064&newsview=1449>

سلیمانی، قاسم (۱۳۹۶). متن کامل سخنرانی سردار قاسم سلیمانی در مراسم چهلم شهید شعبان نصیری (مصادف با آزادسازی موصل - پایتخت اولیه داعش)، ۱۳۹۶/۴/۹۹، نقل شده در سایت:

<http://mgt.ihu.ac.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=85&fkeyid=&siteid=85&pageid=8064&newsview=1485>

سلیمانی، قاسم (۱۳۹۶). متن کامل سخنرانی سردار قاسم سلیمانی در دهمین سالگرد شهادت حاج عماد مغنیه، ۱۳۹۶/۱۱/۲۶، نقل شده در سایت:

<http://mgt.ihu.ac.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=85&fkeyid=&siteid=85&pageid=8064&newsview=1453>

سلیمانی، قاسم (۱۳۹۸). ناگفته‌های جنگ ۳۳ روزه در گفتگو با سرلشکر حاج قاسم سلیمانی، ۱۳۹۸/۷/۹: <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=43598>

سلیمانی، قاسم (۱۳۹۸). وصیت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، ۱۳۹۶/۱۱/۲۴، نقل شده در سایت: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/11/24/2202443>

فاطمی، داود و اسلامی فارسانی، عباس (۱۳۹۷). ارزیابی نظام ارزش‌های جامعه در دوران دفاع مقدس و دوران کنونی، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، دوره ۴، شماره ۲، تابستان، صص ۱۱۳-۱۵۰.

قاسمی، رعنا؛ واسعی، هادی و منتظری، سید سعیدرضا (۱۳۹۷). «تکفیر در اسلام و رویکرد انقلاب اسلامی به گروه‌های تروریستی معاصر»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۶، پاییز، صص ۱۸۴-۱۶۷.

قاسم، نعیم (۱۳۹۹). نقش سردار سلیمانی در جنگ ۳۳ روزه، ۱۷ تیر ۱۳۹۹، نقل شده در سایت <https://www.mashreghnews.ir/news/1092478>

Huffington Post (2013). Syria Conflict: Rebels, Army Battle over Taftanaz Airbase, the Huffington Post. 3 November 2012.

Agence France-Presse (2015). Syria revolt attracts motley foreign jihadi corps, Agence France-Presse. 18 August 2012.

Abbas, Mushreq (2013). Iran's Man in Iraq and Syria, Al Monitor, Archived from the original on 14 March 2013.

Abouzeid, Rania (2014). The Jihad Next Door, 23 June 2014, Politico. Retrieved 3 September 2018.

Al Arabiya (2014). ISIS destroys Prophet Sheth shrine in Mosul, Al Arabiya. 26 July 2014. Archived from the original on 29 July 2014

- Alfoneh, Ali (2011). Iran's Secret Network: Major General Qassem Suleimani's Inner Circle, (PDF). Middle Eastern Outlook. 2. Archived from the original (PDF) on 24 July 2012.
- Al-Khatieb, Mohammed (July 2014). Jabhat al-Nusra, IS compete for foreign fighters, Al-Monitor, July 2014, Archived from the original on 19 October 2017.
- Al-Salhy, Suadad; Arango, Tim (2014). Sunni Militants Drive Iraqi Army out of Mosul, The New York Times, 10 June 2014, Archived from the original on 16 March 2017.
- Al-Sanjary, Ziad; Rasheed, Ahmed (2014). Advancing Iraq rebels seize northwest town in heavy battle, Reuters, 15 June 2014, Archived from the original on 15 June 2014.
- Blomfield, Adam (2011). Syrian rebels strike heart of Damascus, 21 November 2011, The Telegraph. London. Retrieved 25 May 2016.
- Chulov, Martin; Hawramy, Fazel (2014). Isis: Maliki hails Syrian air raids in Iraq as leaving both states 'winners', The Guardian. Archived from the original on 14 July 2014.
- Cockburn, Patrick (2013). West suspends aid for Islamist rebels in Syria, underlining their disillusionment with those forces opposed to President Bashar al-Assad, The Independent, 11 December 2013.
- Fadel, Leith (2015). Where is Major General Qassem Suleimani?, Al-Masdar News, Archived from the original on 13 November 2015.
- Fars News, (2016). Iran's Gen. Soleimani in Fallujah Operations Room, Fars News, Archived from the original on 26 May 2016.
- Filkins, Dexter (2013). The Shadow Commander, the New Yorker, Archived from the original on 28 June 2014.
- Fountain, Henry (2015). Researchers Link Syrian Conflict to a Drought Made Worse by Climate Change, The New York Times. Archived from the original on 25 April 2017.
- Henderson, Peter (2014). Iraq's Christian paramilitaries split in IS fight, Al-Monitor. Archived from the original on 2016-03-04.
- Ignatius, David (2012). Al-Qaeda affiliate playing larger role in Syria rebellion, The Washington Post, Archived from the original on 9 June 2018.
- Karouny, Mariam (2012). Suicide bomber kills 50 Syrian security men: opposition, Reuters, 5 November 2012.
- Kelley, C. P. Mohtadi, S. Cane, M. A. Seager, R. & Kushnir, Y. (2015). Syria had also received in the same period around 1.5 million refugees from Iraq. By 2011, Syria was facing steep rises in the prices of commodities and a clear deterioration in the national standard of living, <https://www.brookings.edu>.



- Malas, Nour (2014). Jihadists in Iraq Erase Cultural Heritage, The Wall Street Journal, Archived from the original on 26 July 2014.
- Merat, Arron (2019). In an attack on Iran, misunderstanding Qasim Soleimani could be America's downfall, Prospect. Archived from the original on 9 December 2019.
- Neriah, Jacques (2014). Is the Fall of Mosul in Iraq to the Jihadists a "Game Changer"?, Jerusalem Center for Public Affairs. Archived from the original on 25 June 2014.
- NY Daily News (2014). Militants kill 21 Iraqi leaders, capture 2 border crossings, NY Daily News, Archived from the original on 27 December 2014.
- Rasheed, Ahmad (2015). Iraqi army and militias surround Isis in major offensive in the battle for Tikrit, The Independent. Archived from the original on 2 April 2015.
- Roggio, Bill (2012). Al Nusrah Front conducts joint operation with Free Syrian Army, Longwarjournal.org, and 4 August 2012.
- Salih, Mohammed; van Wilgenburg, Wladimir (2014). Iraqi Yazidis: 'If we move they will kill us, Al Jazeera. Archived from the original on 6 August 2014.
- Sherlock, Ruth (2012). Inside Jabhat al Nusra - the most extreme wing of Syria's struggle, The Daily Telegraph, London, 2 December 2012.
- Sherlock, Ruth (2011). 15,000 strong' army gathers to take on Syria, The Daily Telegraph, London, 3 November 2011.
- Collard, Rebecca (2014). Kurdish fighters mull whether to defend Iraq, TIME. Archived from the original on 21 June 2014.
- Skinner, Quentin (1969). Meaning and Understanding in the History of Ideas, History and Theory, Vol. 8, No. 1, pp.3-53.
- Skinner, Quentin (1988). Social Meaning and the Explanation of Social Action, in James Tully, Meaning and Context: Quentin Skinner and his Critics, Princeton: Princeton University Press.
- Skinner, Quentin (2002). Vision of Politics, Volume 1: Regarding Method, Cambridge University press.
- Skinner, Quentin (2003). Political Philosophy: The View from Cambridge, the Journal of Political philosophy, Volume10, Issue1, Pp.1-19.
- The Guardian (2014). Isis militants blow up Jonah's tomb, The Guardian, Associated Press, 24 July 2014. Archived from the original on 25 July.
- The Times (2020). Syrian general thanks Iran for helping Assad in key battle, The Times. 20 January 2020.
- Toumaj, Amir (2016). IRGC Qods Force chief spotted in Aleppo, Long War Journal, 18 December 2016, Archived from the original on 19 December 2016.